

مرکز مدیریت حوزه های علمیه				پسده تالی	
معاونت آموزش				امتحانات تجدیدی - شهریور ۱۳۹۱	
اداره ارزشیابی و امتحانات				پایه :	۱۰
				موضوع :	اصول ۱
				تاریخ :	۹۱/۰۶/۰۴
				ساعت :	۱۶
نام کتاب: کفایه الاصول، از المقصد الفامس (المطلق والمقید) تا المقصد السابع اصول العملیه					
لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)					

سؤالات تستی:

۱. المَجْمَلُ عَلَى رَأْيِ الْمُصَنِّفِ، الْكَلَامُ الَّذِي ب ۲۹۳
 - أ. ليس له ظهور حتى بالقرينة الخارجية ☐
 - ب. ليس له ظهور وإن علم المراد منه بقرينة خارجية ☒
 - ج. صدر في غير مقام البيان ☐
 - د. حذف منه شيء ولا يعلم المراد منه ☐
۲. به نظر مصنف، اصول عملیه ... ج ۳۰۶ س ۱۵۱
 - أ. نازل منزلة قطع طريقي می شود نه موضوعی ☐
 - ب. نازل منزلة قطع طريقي و موضوعی نمی شود ☐
 - ج. به جز استصحاب، نازل منزلة قطع طريقي نمی شود ☒
 - د. بجز استصحاب، نازل منزلة قطع موضوعی نمی شود ☐
۳. به نظر مصنف، مراد از «رأی» در روایات ناهیه از تفسیر به رأی چیست؟ ب ۳۲۷
 - أ. قیاس ☐
 - ب. اعتبارات ظنی بدون اعتبار ☒
 - ج. استحسانات شخصی ☐
 - د. عمل به ظاهر بدون مراجعه به اهل البيت (علیهم السلام) ☐
۴. على رأی المصنف، الشهرة الفتوائية ... د ۳۳۶ ع ۱۵۱
 - أ. حجة لدلالة أدلة حجة الخبر عليه بالفحوى ☐
 - ب. حجة لأن بناء العقلاء قائم على حجة كل أمانة ظنية ☐
 - ج. حجة لدلالة مرفوعة زرارة (خذ بما اشتهر) عليها ☐
 - د. ليست بحجة ولا يساعد على اعتبارها دليل ☒

سؤالات تشریحی:

- * وأما دلالة الجمع المعروف باللام على العموم مع عدم دلالة المدخول عليه فلا دلالة فيها على أنها تكون لأجل دلالة اللام على التعيين حيث لا تعيين إلا للمرتبة المستغرقة لجميع الأفراد، وذلك لتعيين المرتبة الاخرى وهى أقل مراتب الجمع وإن أبيت إلا عن استناد الدلالة عليه اليه فلا محيص عن دلالته على الاستغراق بلا توسط الدلالة على التعيين فلا يكون بسببه تعريف اللفظاً. ۲۸۵
۱. عبارت را توضیح دهید.

از اینکه جمع محلی به لام دلالت بر استغراق و عموم می کند و اینکه خود صیغه جمع دلالت بر استغراق جمیع افراد نمی کند لازم نمی آید که بگوئیم افاده عموم به خاطر این است که لام دال بر تعیین است و تنها بر آن مرتبه از عام که شامل جمیع افراد می شود تعیین دارد و به همین خاطر عموم و استیعاب، از جمع محلی به لام استفاده می شود. علت عدم ملازمه فوق این است که در اقل مراتب جمع که عدد سه می باشد نیز تعیین حاصل است بنا بر این اگر اصرار شود بر این که فقط خود لام است که دال بر استغراق و عموم است چاره ای نداریم از اینکه قائل شویم خود لام مستقیماً برای عموم وضع شده است و هیچ دلالتی بر تعیین و تعریف ندارد که نتیجه این سخن این است که تعریف در جمع محلی به لام تعریف لفظی است نه حقیقی.

- * إنه لا دلالة لمثل «رجل» إلا على الماهية المبهمة وضماً وان الشیاع يكون خارجاً عما وضع له فلا بد في الدلالة عليه من قرينة حال أو مقال أو حکمة وهی تتوقف على مقدمات. ۲۸۷ س ۱۵۲
۲. ضمن توضیح عبارت، مقدمات حکمت را بیان کنید.

رجل وضماً دلالت بر ماهیت مبهمه دارد نه شیاع و سریان. و دلالتش بر شیاع نیاز به قرینه حالیه یا لفظیه یا مقدمات حکمت دارد که سه چیز است: ۱. کون المتکلم فی مقام بیان تمام المراد لا الاهمال أو الاجمال. ۲. انتفاء ما یوجب التعین. ۳. انتفاء القدر المتیقن فی مقام التخاطب.

* مع أنه يلزم منه (أى من سلب الحجية عن القطع) اجتماع الضدين اعتقاداً مطلقاً، وحقيقةً فى صورة الإصابة، كما لا يخفى.

۳. چگونه «سلب الحجية عن القطع» مستلزم «اجتماع ضدین در اعتقاد و در واقع» می شود؟ در قالب مثال توضیح دهید. ۲۹۷ ع ۲ و ۳ د ۲

اگر مکلف قطع به وجوب صلوة جمعه پیدا کند و شارع نهی کند از عمل بر وفق قطعش، اگر قطع او مصیب باشد اجتماع ضدین حقیقی و واقعی لازم می آید؛ چون در واقع باید نماز جمعه هم واجب باشد هم غیر واجب، و اگر قطع او «مخطی» باشد اجتماع ضدین اعتقادی لازم می آید.

* إنَّ عقاب المتجرى إنّما يكون على قصد العصيان والعزم على الطغيان، إن قلت: إنَّ القصد والعزم إنّما يكون من مبادئ الاختيار وهى ليست باختيارية والّا لتسلسل. قلت: إنَّ الاختيار وإن لم يكن بالاختيار، الّا أنّ بعض مبادئه غالباً يكون وجوده بالاختيار، للتمكّن من عدمه بالتأمّل فيما يترتب على ما عزم عليه من تبعة العقوبة واللّوم والمذمّة. ۳۰۰ آسان

۴. پاسخی را که مصنف در عبارت، به اشکال داده است، توضیح دهید.

جواب مرحوم آخوند این است که خود اختیار اگرچه امر اختیاری نیست ولی وجود بعضی از مبادی آن امر اختیاری است، زیرا مکلف می تواند با تفکر و تأمل در ملامت و عقابی که بر آنچه اراده کرده مترتب می شود از موجود شدن آنها جلوگیری کند.

* وأمّا احتمال ان منجزية العلم الاجمالى بنحو الاقتضاء بالنسبة الى لزوم الموافقة القطعية وبنحو العلية بالنسبة الى لزوم الموافقة الاحتمالية وترك المخالفة القطعية فضعيف جداً؛ ضرورة أنّ احتمال ثبوت المتناقضين كالقطع بثبوتهما فى الاستحالة، فلا يكون عدم القطع بذلك معها موجباً لجواز الإذن فى الإقتحام، بل لو صحّ الإذن فى المخالفة الاحتمالية، صحّ فى القطعية أيضاً. ۳۱۴

۵. اشکال مصنف بر تفصیل مذکور را بیان کنید.

نمی توان قائل شد علم اجمالی مقتضی لزوم موافقت قطعیه و علت تامه موافقت احتمالیه و حرمت مخالفت قطعیه است؛ زیرا اگر علم اجمالی، علت تامه حرمت مخالفت قطعیه باشد، انجام یکی از طرفین بلا اشکال است و در همین طرف، احتمال انطباق واقع را می دهیم و همان طور که قطع به وجود دو حکم مخالف محال است احتمال اجتماع دو حکم متناقض نیز محال است. بنا بر این، اگر مخالفت احتمالیه جایز باشد مخالفت قطعیه نیز می تواند جایز باشد.

۶. مبنای «استتباع» در باب «جعل حجیت امارات» را با توجه به عبارت «نعم لو قيل باستتباع جعل الحجية للأحكام التكليفية» توضیح داده، آن را در مثال «قيام خبر واحد بر وجوب صلاة جمعه» پیاده کنید. ۳۱۹ ع ۲ د ۱

معنای استتباع: عبارت است از اینکه شارع علاوه بر اینکه کاشفیت ناقصه امارات را تتمیم کرده است بر طبق مؤدای امارات حکم ظاهری انشاء کرده است؛ مثلاً در مثال مزبور بر صلوة جمعه، وجوب را به عنوان حکم ظاهری جعل کرده است. (همین مقدار کافی است)

* إنَّ الاجماع المنقول بخبر الواحد إذا لم يدلّ بالتضمّن أو الالتزام على رأى الامام لم يكن مثل الخبر الواحد فى الاعتبار من جهة الحكاية، أمّا من جهة نقل السبب فهو فى الاعتبار بالنسبة إلى مقدار من الاقوال التى نقلت إلى المنقول اليه على الاجمال بألفاظ نقل الاجماع، مثل ما إذا نقلت على التفصيل، فلو ضمّ إليه ممّا حصله أو نقل له من أقوال الساترين أو سائر الأمارات، مقدار كان المجموع منه و ما نقل بلفظ الاجماع بمقدار السبب التام كان المجموع كالمحصل. ۳۳۴ (ع: ۲ د: ۲)

۷. حکم اجماع منقول را از جهت نقل سبب، در ضمن مثال توضیح دهید.

اگر مدعی اجماع ادعای اجماع بر وجوب نماز آیات در هنگام زلزله کند و مرادش نظر ۲۰ نفر از فقهای عصر اول باشد که به نظر او از این تعداد رأى امام (ع) کشف می شود، ولی به نظر منقول الیه حداقل باید ۳۰ نفر قائل به وجوب باشند تا با نظر امام ملازمه داشته باشد برای وی تنها به مقدار نظر ۲۰ نفر ثابت می شود حال اگر خود وی نظر ۱۰ نفر دیگر را تحصیل نمود یا نظر ۱۰ نفر دیگر برای او نقل شد یا قرائن دیگری پیدا نمود، مسبب یعنی نظر امام برای او نیز ثابت می شود.

* يشكل الاستدلال بآية النبأ على حجّية خبر الواحد بأنّه ليس لها هاهنا مفهوم ولو سلّم أنّ أمثالها ظاهرة في المفهوم لأنّ التعليل بإصابة القوم بالجهالة المشترك بين المفهوم والمنطوق يكون قرينةً على أنّه ليس لها مفهوم. ٣٤٠ فنى

٨. اشكال مذکور در عبارت را توضیح دهید.

مقصود از عبارت این است که این جمله شرطیه ای که در آیه هست، مفهوم ندارد، هر چند امثال این جمله در موارد دیگر مفهوم داشته باشد، چون در آیه قرینه وجود دارد بر عدم مفهوم و آن قرینه تعلیلی است که در آیه آمده است، و این تعلیل وجوب تبیین را تعمیم می دهد به همه موارد عدم حصول علم از خبر، و معلوم می شود که معیار در وجوب تبیین عدم علم است، چه خبر عادل باشد چه خبر فاسق.

* استدلال على حجّية خبر الواحد بسيرة العقلاء على العمل بخبر الواحد. إن قلت: يكفي في الردع عن السيرة الآيات الناهية و الروايات المانعة عن اتباع غير العلم، قلت: لا يكاد يكفي تلك الآيات في ذلك، فإنما المتيقن لو لا أنّه المنصرف إليه إطلاقها، هو خصوص الظنّ الذي لم يقدّم على اعتباره حجّة على أنّه لا يكاد الردع بها إلّا على وجه دائر، و ذلك لأنّ الردع بها يتوقّف على عدم تخصيص عمومها أو تقييد إطلاقها بالسيرة على اعتبار خبر الثقة و هو يتوقّف على الردع عنها بها، و إلّا لكانت مخصصة أو مقيدة لها. ٣٤٨ (ع: ٢: د: ٢)

٩. دور مذکور در متن را توضیح دهید.

تمسک به این آیات برای نهی از سیره، دوری است؛ زیرا رادعیت این آیات از سیره متوقف بر این است که سیره مخصص این آیات نباشد؛ یعنی دال بر حجّیت خبر ثقه نباشد، و عدم دلالت سیره، متوقف بر ردع آن به آیات است.